

معرفی مستند

## زمناکو برای کودکان گمشده



«زمناکو» ساخته مهدی

قربان پور، مستندی

است که جوایز بسیاری

را به‌دست آورده‌است.

قربان پور، در این

مستند به داستان

جدایی کودکی ۴۰روزه

می‌پردازد که در زمان

بمباران از آغوش

مادرش جدا می‌شود.

این نوزاد توسط سربازان

به ایران آورده شده و به

زنی به اسم کبری



سپرده می‌شود. او تا ۲۲سالگی در شهر مشهد زندگی می‌کند و سرانجام برای پیداکردن هویت خود با کمک انجمن قربانبان شیمیایی و طی دیداری که در تهران با هیئت حل‌چپای‌ها دارد، به این شهر می‌رود. بعد از ساخت و انتشار این فیلم، ۲کودک دیگر به نام‌های اعظم و برزان که در آن زمان از خانواده‌هایشان جدا افتاده و به ایران آورده شده بودند به حل‌چپه رفته و موفق شدند خانواده خود را پیدا کنند. زمانکو، تندیس شایستگی بهترین فیلم مستند از هفدهمین جشن خانه سینما، تندیس شایستگی بهترین پژوهش از هفدهمین جشن خانه سینما و تندیس بهترین کارگردان از نهمین جشنواره سینما حقیقت (جایزه شهید آوینی) را کسب کرده و نامزدی بهترین فیلم هنر و تجربه در نهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت را در کارنامه خود دارد.



۱۳۸۹ توسط انتشارات سراسیم‌رغ سحر در کتابی به نام «صدای سکوت» به چاپ رسید. عکس‌های ناطقی در نمایشگاهی به‌صورت خیابانی، ۲۱ سال پس از فاجعه حل‌چپه در همان محل‌های وقوع حادثه بر گزار شد. او پس از برگزاری نمایشگاه در حل‌چپه به‌مدت ۳سال در جست‌وجوی افراد زنده تصاویرش بود و توانست ۱۷فرز آنها را در مشهورترین عکس‌هایش پیدا کند. ناطقی، پس از گفت‌وگو با آنان عکس‌هایی از کودکان، زنان و مرد می‌دفاع حل‌چپه جنایت رژیم بعثی عراق را در قالب تصویر به ثبت رساند. آثار احمد ناطقی از بمباران شیمیایی حل‌چپه سال

۱۳۸۹ توسط انتشارات سراسیم‌رغ سحر در کتابی به نام

«صدای سکوت» به چاپ رسید. عکس‌های ناطقی در

نمایشگاهی به‌صورت خیابانی، ۲۱ سال پس از فاجعه حل‌چپه

در همان محل‌های وقوع حادثه بر گزار شد. او پس از برگزاری

نمایشگاه در حل‌چپه به‌مدت ۳سال در جست‌وجوی افراد

زنده تصاویرش بود و توانست ۱۷فرز آنها را در مشهورترین

عکس‌هایش پیدا کند. ناطقی، پس از گفت‌وگو با آنان

عکس‌هایی از آنان تهیه کرد و مجموعه عکس‌های تهیه

شد از بمباران حل‌چپه را همراه با عکس‌هایی از نمایشگاه

خیابانی با چهره‌هایی که در عکس‌های قدیمی بودند در

این کتاب منتشر کرد. صدای سکوت، به ۳زبان کردی،

فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده است. احمد ناطقی، ترس

مردم حل‌چپه از نامنی از اینگونه روایت می‌کند: «هر کدام

از هم‌راهان من به سمتی رفته بودند و من وارد کوچه

شمالی شدم. آنجا نیز با یکی از فبیج‌ترین این صحنه‌ها

مواجه شدم. وانتی که تعداد زیادی از افراد خانواده‌ای را

سوار کرده و آماده ترک روستا بودند، همگی یکباره دچار

گاز مرگ‌بار اعصاب شده و در دم جان‌باخته و روی‌هم

تلنبار بودند.»



# حمله شیمیایی برای فرار از سنگینی شکست

واکاوی علل و عوامل حملات شیمیایی عراق در سالگرد فاجعه حلبچه در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «جنگ شیمیایی عراق علیه ایران»



آن گونه که از متن کتاب استنباط می‌شود، نویسنده تلاش دارد تا کاملاً نگاهی بی‌طرفانه به حقیقت جنگی داشته باشد. از این تلاش و نگاه‌تان برای امان بگویید.

واقعیت آن است که از جنبه تئوریک محقق باید در بررسی پدیده‌های اجتماعی و انسانی بی‌طرفی و عنییت را رعایت کند اما رعایت عنییت و بی‌طرفی طبیعی، ممکن نیست، طبق گفته دکتر عبدالحسین زرین کوب انسان در بررسی واقع به همان اندازه که از حب و بغض و کینه به دور باشد و حقیقت را کتمان نکند، بی‌طرفی را رعایت کرده است. بر همین اساس هم تمام سعی و تلاش من در نگارش مطالب و بیان غلب وقایع بر رعایت اصل بی‌طرفی بوده است. به‌عبارت دیگر تلاش کرده‌ام تا از نگاه یک فرانسوی و آمریکایی به جنگ ایران و عراق نگاه کنم تا مطالب کتاب برای خوانندگان باورپذیر باشد. از این‌رو در بررسی جنگ شیمیایی عراق علیه‌ایران به روایت‌های مختلف و متعددی از جمله اسناد آشپوی، اسناد چاپ شده، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، خاطرات دبیر کل‌های سازمان ملل مانند کورت والدهایم و خاویر پرز دکوئبار، خاطرات فرماندهان و ژنرال‌های عراق مثل ووفیق السامرابی و حسین کامل حسن، خاطرات فرماندهان ایران و غیره استناد کرده‌ام. اگر هم در اسناد و منابع و روزنامه‌ها روایت متفاوتی وجود داشت در باور فی ذکر کرده‌ام. در واقع سعی کرده‌ام روایت‌های مختلف طرفین جنگ و مسئولان نهادهای بین‌المللی مثل دبیرکل سازمان ملل و غیره را ذکر کنم.

آن گونه که از متن کتاب استنباط

می‌شود، نویسنده تلاش دارد تا کاملاً نگاهی بی‌طرفانه به حقیقت جنگی داشته باشد. از این تلاش و نگاه‌تان برای امان بگویید.

واقعیت آن است که از جنبه تئوریک محقق باید در بررسی پدیده‌های اجتماعی و انسانی بی‌طرفی و عنییت را رعایت کند اما رعایت عنییت و بی‌طرفی طبیعی، ممکن نیست، طبق گفته دکتر عبدالحسین زرین کوب انسان در بررسی واقع به همان اندازه که از حب و بغض و کینه به دور باشد و حقیقت را کتمان نکند، بی‌طرفی را رعایت کرده است. بر همین اساس هم تمام سعی و تلاش من در نگارش مطالب و بیان غلب وقایع بر رعایت اصل بی‌طرفی بوده است. به‌عبارت دیگر تلاش کرده‌ام تا از نگاه یک فرانسوی و آمریکایی به جنگ ایران و عراق نگاه کنم تا مطالب کتاب برای خوانندگان باورپذیر باشد. از این‌رو در بررسی جنگ شیمیایی عراق علیه‌ایران به روایت‌های مختلف و متعددی از جمله اسناد آشپوی، اسناد چاپ شده، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، خاطرات دبیر کل‌های سازمان ملل مانند کورت والدهایم و خاویر پرز دکوئبار، خاطرات فرماندهان و ژنرال‌های عراق مثل ووفیق السامرابی و حسین کامل حسن، خاطرات فرماندهان ایران و غیره استناد کرده‌ام. اگر هم در اسناد و منابع و روزنامه‌ها روایت متفاوتی وجود داشت در باور فی ذکر کرده‌ام. در واقع سعی کرده‌ام روایت‌های مختلف طرفین جنگ و مسئولان نهادهای بین‌المللی مثل دبیرکل سازمان ملل و غیره را ذکر کنم.

سلاح‌های شیمیایی بسیار پررنگ است به‌طوری‌که شرکت‌های گوناگون مانند «کارل کوبل»، «هی برگر»، «پروساک» از آلمان و «تامسون سی. اس. اف»، «پتروبراس»، «ناسه»، «مارسل داسو» از فرانسه، «پایکاک»، «ویلکاکس» و «بولت داون» از انگلیس و «آلسا» از سوئیس نقش مهمی در تجهیز عراق به سلاح‌های شیمیایی ای برعهده داشتند. همچنین در این کتاب آمده که شرکت‌های آلمانی برای تجهیز عراق به سلاح‌های شیمیایی به‌شدت در بغداد فعال بودند؛ «بیش از یکمصد شرکت آلمانی در این شهر مشغول به‌کار بودند. شرکت‌های آلمانی مانند «هی برگر»، «کارل کوبل»، «پروساک» نقش مهمی در ساخت و تأسیس کارخانه سامرا داشتند. مقر دائمی تعدادی از این شرکت‌ها در بغداد قرار داشت.» در بخش دیگری از این کتاب به نقش دل‌لان بین‌المللی در ارسال تجهیزات و مواد اولیه گازهای سمی و سلاح‌های شیمیایی به عراق اشاره شده است: «بولت عراق به‌منظور تسهیل در امر خرید مواد اولیه تسلیحات شیمیایی از دل‌لان و واسطه‌های مشهور نیز بهره می‌برد. دل‌لانی مانند رمزی داول فلسطینی تبار، صاحب‌العقاد عراقی، عبدالله العالی مصری تبار، کارلوس آرشویی بسیار مشکل است و نیز برای بررسی عمیق یک واقعه باید زمان بگذرد تا بتوان همه جوانب را برآورد کرد. بنابراین امیدوارم که محققان و پژوهشگران در آینده بیشتر به این موضوع بپردازند تا زوایای پنهان آن مورد واکاوی قرار گیرد.

نقش شرکت‌های اروپایی در ساخت مجتمع‌ها و کارخانه‌های شیمیایی عراق

### دفاع مقدس در مقابل تیم منتخب جهان

طرف مقابل ایران در جنگ تحمیلی به ظاهر کشور عراق بود اما در حقیقت ایران با مجموعه‌ای از کشورهای قدرتمند و متخاصم جنگید و اجازه نداد یک وجب از خاکش جدا شود. نقش آفرینی کشورهای غربی و حتی شرقی در تجهیز عراق به تسلیحات شیمیایی و همچنین فروش و انتقال فناوری اینگونه سلاح‌ها به عراق موضوعی مهمی است که شیرزاد خزایی در کتاب «جنگ شیمیایی عراق علیه ایران: بررسی نظامی و حقوقی» به آن اشاره کرده است: «دولت عراق از اوایل دهه ۱۹۷۰درصدد برآمد تا با کمک کشورهای شرق و غرب بر تنش این کشور را به گازهای سمی و سلاح‌های شیمیایی مجیز کند. بنابراین عراق به‌خصوص با آغاز جنگ علیه ایران برای تهیه مواد اولیه و خرید بدسلاح‌های شیمیایی به کشورهای شوری، آلمان (شرقی و غربی)، فرانسه، انگلیس، آمریکا، ای‌تالیا، چکسلواکی، شیلی، برزیل و غیره روی آورد. دولت عراق تحت عناوین پوششی تأسیس صنایع مشترک حشروه کش‌اما در واقع کارخانه‌ها و مجتمع‌های شیمیایی مانند گازخانه سامرا، آلمنتی، سلمان پاک، گازخانه آلتاجی، عکاشات، القائم، سماوا، فلوجه ۱ و ۲ و ۳ و غیره را بنیاد کرد. هدف از ایجاد این مراکز تولید، انباشت و ذخیرسازی انواع گازهای سمی و شیمیایی از قبیل خردل، سارین، تابون، وی ایکس، فسژن و غیره بود. در میان کشورهای اروپایی نقش آلمان، فرانسه و انگلیس در تجهیز عراق به

بیشترین مناطق مورد تهاجم و حملات شیمیایی

خبر خبیر فاو طلائیه مریوان بانه قصر شیرین کیلانتغرب سردشت آبادان ماهشهر

همچنین صدام مناطقی از کردستان عراق به‌ویژه شهر حلبچه را مورد حملات شیمیایی قرار داده است.

عملیات‌های دیگر حملات شیمیایی

از جمله عملیات‌های مهمی که صدام برای جلوگیری از شکست از تنش خودبه‌صورت تندی و در حجم زیاد به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و گازهای سمی روی آورد به شرح ذیل است:

عملیات خبیر ۳ اسفند ۱۳۶۲

عملیات بدر ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ تا ۲۹ فروردین ۱۳۶۴

بمباران شیمیایی سردشت ۷ تیر ۱۳۶۶

به‌طورکلی کشور عراق در طول ۸ سال جنگ

تحمیلی به‌کرات نیروهای ایران را مورد حمله

شیمیایی قرار داد که طی آمار رسمی بیش از ۶۶

هزار نفر مصدوم و ۲۶ هزار و ۷۰۰ نفر شهید شدند.

## ایتارومقاومت

یادداشت

به یادجهانگیر خسروشاهی، نویسنده و پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی

### قلمی در امتداد دوربین آوینی

وقتی با قلم جهانگیر خسروشاهی در ادبیات مقاومت آشنا می‌شوید، همان ابتدای امر، با وقار و صفا و معرفتی هم‌نفس می‌شوید که وجود‌تان را به مهمانی عالمی دعوت می‌کند که گویی همان گمشدهٔ اغلب مخاطبان است.

انگار این قلم مأمور به انجام وظیفه است که با ادبیاتی نو، رمز و راز مردان ندیده‌شده در گذرگاه تاریخ را به ما معرفی کند. او داستان نویسی دانشگاه‌دیده بود. اما از کجا تمام قواعد داستان نویسی را از پایه فراگرفته بود؟

او یار دبستانی مدرسه دانش روستای دهق اصفهان بود، اما تنها پس از شش‌ماه متوجه شد که گمشده او در جایی دیگر است و در ردیف شش، هفت‌ساله مهاجرینی قرار گرفت که به تهران آمده و اول باید کار می‌کرد و بعد، به‌دنبال گمشده خود می‌رفت. همین کنجکاو ی او را با مکان‌هایی آشنا کرد که با کتاب مانوس شود. خواندن و خواندن و خواندن! هر سه‌شنبه مشتری پروپاقرص کیهان‌بچه‌ها بود. دفتر و خودکار می‌گرفت و برای خودش یک کیهان‌بچه‌های رؤیایی می‌نوشت؛ به‌خصوص وقتی به صفحه مورد علاقه خود، یعنی داستان می‌رسید. ذهن خلاق خسروشاهی، این نوجوان ۱۴ ساله، غرق در دنیای قصه و داستان شد. مدام داستان کوتاه می‌خواند و گاهی به سفارش کیهان‌بچه‌های خصوصی خود داستان کوتاه می‌نوشت. او هنوز شناختن از طرح، ژانر، دیالوگ، پیام و… نداشت. اما همت کرد و بدون ورود به دانشگاه همه را فراگرفت، به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۵۷ نخستین داستان با قاعده را نوشت، ولی بایگانی کرد.

اگر طالب علم و معرفت، خسروشاهی را جست‌وجو کند، رد پهای او را در حوزه‌های علمیه تهران، به‌خصوص اطراف شاه‌عبدالعظیم، پیدا خواهد کرد. او پاسدار بود، اما کسی متوجه این امر نشده بود که وقتی در یادگان‌های سیاه معلمی می‌کرد، در بی تملای بخشیدن به یافته‌های دینی خود بود. به همین دلیل، او بین همه آن خانه‌هایی که به پاسداران تعلق گرفت، او در همسایگی حضرت عبدالعظیم(ع) اسکان گرفت تا درس حوزوی خود را تا یک‌قدم به مرگ دنبال کند. زمانی که برای معیشت در قنای کار می‌کرد، خیاط محله پهای او را به دعای ندبه و دعای حضرت کمیل بعد از تمق معرفت هیئت حسینی جلورفت. او با خواندن نظرات مخالف و موافق، هسته‌های درونی فلسفه خیمه‌ام‌حسین(ع) را در میان عشاق در یافت و دیگر رهایش نکرد. هم اسکان و تعلیمی حسینی می‌شت، هم پای درس علما برای فراگیری فلسفه عاشورا و پس از عاشورا می‌نخست.



خسروشاهی اما به این داشته‌ها بسنده نکرد و از سال ۱۳۵۶ پای به مکتب روح‌الله نهاد. وقتی گمشده خود را در این محافل پیدا کرد، شب می‌نوشت و روز برای مبارزان می‌خواند. همین فراگیری معارف اسلامی در مبارزه بود که بعدها پای او را به دفاع‌مقدس باز کرد تا توانست در رمان «غروب ابی رود»، شهید باکری را در دل جلغه پیدا کند. در واقع، این رمان حاصل تلاش سال‌های او در معنا بخشیدن به معرفت شهدا با بهره‌گیری از قاعده داستان‌نویسی بود. با وجود این، او به جد قاعده کاربردی در داستان‌نویسی را دنبال کرد تا به این تکنیک ادبیات مسلط شد، اما اسیر حاشیه‌های آن نشد.

از طرفی، خسروشاهی در بی عشقی دگر بود که بعدها همین عرفان عملی یافته در سفره تشیع جوهر ادبیات او شد و بدین روش توانست به‌خود ببالد که ژانرها و سبک‌های داستانی را در قربانگاه ادبیات تعهد و پایداری ذیح کند؛ بی‌آنکه خدشاهی به قواعد داستان‌نویسی وارد آورد. همین گرایش بود که سبب شد او به‌خاطر فعالیت‌هایش در رمان «غروب ابی رود»، «حوزه هنری» و «روایت‌فتح» باز شد، بدون فوت وقت، استثنی بالا زد و شد چراغ راه آن دسته از جویندگان حقیقت که تشنه روایتگری فاتحین خرمشهر بودند اما خود شاهد چگونگی فتح خوین شهر نبودند.

وقتی او پژوهشگر پشت پرده ایده‌ها و طرح‌های آوینی شد، این دستاورد از پس از شهادت او به رخ ادبیات نکشید تا همچنان در بی تملای خود باشد. او در واقع، به‌دنبال علم آوینی نبود بلکه رمز او را در روی پا گذاشتن «خود» پنداشت تا تمام رخداها را در «عمل قلبی» خود جست‌وجو و از مونتازگری به روش روشنفکران دگردانیش پرزیز کرد. او معتقد بود، «ما کاری را انجام نمی‌دهیم که آوینسی انجام داد؛» یعنی «باروی خود گذاشتن عبور از خود». به همین دلیل خسروشاهی اتفاقاتی از جامعه را در ادبیات داستانی قلم می‌زد که آن واقعه در قلب او جایی به‌معنای عشق داشته باشد. واقع امر این است که داستان‌نویسی هم استعدادی می‌خواهد و هم تجربه که خسروشاهی در هر دو نمره قبولی گرفته بود. او برای به‌دست آوردن تجربه، از مطالعه رمان‌ها و داستان‌های مختلف دریغ نکرد؛ آن هم بسیار گسترده. در نهایت اینکه، وقتی با کتاب غروب ابی رود او همراه می‌شوی، انگار آقامهدی باکری تا غروب ۱۳ بهمن ۱۴۰۰ صبر کرده که خسروشاهی خسته از دیار فانی از راه برسد، و او را سوار بر قایق، از این دنیا خلاص کند. ت گویی زمان در عملیات بدر و شرق دجله توقف کرده باشد تا که خسروشاهی سوار شود.

از آثار زنده‌یاد، جهانگیر خسروشاهی می‌توان به مجموعه داستان‌های کوتاه خلفه‌های وحشی، یاغ باور، بیرون قلعه امن نیست، خیابان رؤیت به وه کلی سزی، رمان‌های زخمدار و رؤیای داغ، داستان بلند فر پانزدهم و صخره‌ها و پروانه‌ها، زندگینامه داستانی همیشه با هم (بی تا)، دوشنبه‌ای که می‌آید، غروب آبی رود و داستان نوجوانان پدربزرگ بر که و درخت گردو و نثر ادبی از کوچهای می‌خبری اشاره کرد.

جمعی از یاران او در روایت فتح

## همیشه‌ی

البته به‌گفته مسئولان صنایع هوایی نیروهای مسلح ایران که بخش عمده‌ای از این اطلاعات را در اختیار نویسنده این کتاب قرار داده‌اند تعداد مصدومان تا ۱۰ هزار نفر افزایش یافته‌است.

بنابر همین آمار طی حملات گسترده نیروهای عراق و به‌کارگیری این سلاح مخرب در خاک خود ۵۵۰۰ هزار نفر از مردم عراق شهید و ۱۰ هزار نفر نیز مصدوم شده‌اند.

۵۵۰۰

۱۰۰ هزار